

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم «اسیر»

شب زنده دار

ای کشته نگاه تو چون من هزار ها
ای بر سرت قسم که به پیچ و خم زمان
نازک مزاج من به چنین سخت جانیم
هر محنتی که بر سر ما می کنی بکن
در چشم پاکبین من ای کوکب مراد
دیدم به پایداری من کس نمی رسد
چون شهسوار حسن به تسخیر دل بتاز
با تو قمار عشق زدم، پاک باختم
پای امیدواری ما پرز آبله است
دل هم ز عشقبازی من سینه چاک شد
نی گریه، نی خموشی من کارگر فتاد
شب تا سحر به آتش غم گریه میکنی
عشاق را ز بسکه بد آموز کرده ای
نشگفت اگر شگوفه دل، عمرها گذشت

ای صد هزار کشته فدای تو بارها
ما را به زلف خم به خم توست کارها
تاکی غم فراق کشم با فشارها
نی دست گفت و گوشت، نه پای فرارها
جای تو تا به عرش بود با وقارها
صد بار اگر مرا ببری، پای دارها
تاراج محنت تو شد این ملک بارها
آخر چه کار بود مرا با قمارها
رفتند ازین دیار مگر شهسوارها
می گفتمش ز عاقبت کار و بارها
رفته ز دست، مرتبه اعتبارها
ای شمع با تو عشق نموده چه کارها
قانع نمی شوند به بسوس و کنارها
این غنچه غوره ماند به چندین بهارها

درد فراق، خواب ز چشمش ر بوده است

باشد « اسیر» در صف شب زنده دارها

(بن - المان، آگست ۱۹۹۹ م)